



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۱/۲۲



خلیل الله ناظم باختري

شکست دل

به استقبال این بیت شیخ الشعراء محترم احمد صديق حياء :

تا توئی در بند تن از عالم بالا مپرس
ای اسیر نفس از روح فلک پیما مپرس

** * **

ملت افغان ستان چون دُر و گوهر بوده اند
یک برابر بوده اند از عالی و ادنا مپرس

آن، که در راه خدا سر میدهد جان می دهد

جان به جانان میدهد از عاشق شیدا مپرس

مقصد من از جهاد فی سبیل الله بُود

از قوماندانان قاتل از تُفنگ والا مپرس

** * **

بقیه این سروده زیبا و میلی و میهنی را در صفحه بعدی مطالعه فرمائید

از گذشت روزگار رفته سر تا پا مپرس
از فراق میهن، از امروز و از فردا مپرس
گاه در شوق وصال و گاهی در هجران و غم
از امید و ناامیدی های ما اصلا مپرس
وای بر مجنون که رنج سنگ طفلان می کشد
حال آن بیچاره را از محفل لیلا مپرس
خوبرویان را دلی چون سنگ خارا بوده است
آشکارا بوده است از هیچکس بیجا مپرس
آرزوهائی، که از یاد وطن در خاک شد
از فقیر و از وزیر، از مُفلس و دارا مپرس
در دیار غُربت و اندر سرای دیگران
از شکست دل صدائی بشنو و از ما مپرس
مُردن آوارگان هرجا، که باشد ماتم است
از سپید و از سیاه از پیر و از برنا مپرس
ملت افغان ستان چون دُر و گوهر بوده اند
یک برابر بوده اند از عالی و آدنا مپرس
آن، که در راه خدا سر میدهد جان میدهد
جان به جانان میدهد از عاشق شیدا مپرس

مقصد من از جهاد فی سبیل الله بُود
از قوماندانانِ قاتل از تُفنگ والا مپرس
رهروی دیدم که دل با یک تماشا می برد
از مسلمان و یهود و گبر و از ترسا مپرس
آن یکی در مسجد و آن دیگری در صومعه
هرچه می خواهد بخواهد بنده دانا مپرس
صنعت و تعبیر و تفسیرش نمیدانم، که چیست
جان من از "ناظم" حل این معما را مپرس

